

گامنامه الکترونیکی

پرسمان سیاسی (۱۴)

منطقه‌ای

ویژه مسؤلان و هادیان سیاسی



معاونت سیاسی

نماینده‌گی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مرداد ماه ۱۳۹۷

۱۴

در این شماره می‌خوانید:

۱. اخیراً انصارالله یمن موفق از برخی سلاح‌های جدید مانند پهپادها و سکوها‌های زیرزمینی پرتاب موشک رونمایی کرد. این سلاح‌ها چه تاثیری بر معادلاتی نبرد خواهد داشت؟
۲. حمله انصارالله به آرامکوی عربستان و فرودگاه ابوظبی چه پیامدهای سیاسی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت؟
۳. اهداف حمله عربستان و امارات به بندر الحدیده در یمن چه بوده و چرا ائتلاف سعودی در این نبرد شکست خورده‌اند؟
۴. ارتش سوریه با پیروزی در درعا موفق به شکست تروریست‌ها در جبهه جنوب شد. این پیروزی چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟
۵. نقش عربستان در استراتژی فشار همه‌جانبه ترامپ علیه ایران چیست؟
۶. علت ناآرامی‌های اخیر در جنوب عراق چه بوده و چه کشورهایی پشت پرده این حوادث هستند؟
۷. طرح ناتوی عربی که اخیراً آمریکا ایده آن را مطرح کرده و اعلام داشته پیمان ناتوی عربی با حضور کشورهای عربی خلیج فارس تشکیل خواهد شد با چه اهدافی بوده و چه دورنمایی دارد؟
۸. برگزاری انتخابات سراسری (پارلمانی و ریاست جمهوری) در ترکیه این کشور را وارد دوران جدیدی کرد. انتخاب اردوغان به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه در مرحله جدید سیاسی ترکیه، چه پیامدهایی خواهد داشت؟
۹. اخیراً مردم غزه در ابتکاری جالب از بادبادک‌های آتش‌زا برای مبارزه با اسرائیل استفاده می‌کنند. این ابتکار جدید چه دستاوردهایی را به همراه خواهد داشت؟
۱۰. دونالد ترامپ در مرداد ماه چندین بار خواستار مذاکره با ایران شده است. اهداف ترامپ از تقاضای مذاکره با ایران چیست؟

۱. اخیرا انصارالله یمن موفق از برخی سلاح های جدید مانند پهپادها و سکوهای زیرزمینی پرتاب موشک رونمایی کرد. این سلاح ها چه تاثیری بر معادلاتی نبرد خواهد داشت؟

ائتلاف سعودی در ۳۸ ماه گذشته تمامی حربه های خود را برای تسلط بر انقلابیون این کشور به کار گرفته اما نتیجه ای جز شکست کسب نکرده اند. در آخرین گام این ائتلاف در الحدیده عملیات موسوم به «پیروزی طلایی» را آغاز کردند که با وجود گذشت چند هفته از شروع آن، متجاوزان در ۶ محور در محاصره قرار گرفته و بیش از ۳۰۰۰ تلفات انسانی داده اند. در همین حال اخیرا انصارالله به دستاوردهای نظامی قابل توجهی رسیده است.

یگان موشکی یمن اخیرا برای نخستین بار از سکوهای زیرزمینی پرتاب موشک بالستیک رونمایی کرد. این سکوها زیر زمین بوده و از قابلیت استتار بالایی برخوردار است. یکی از مهمترین ویژگی های دستاورد جدید انقلابیون یمن قابلیت استتار بالای سکوهای زیرزمینی پرتاب موشک است. در جنگ یمن این مسئله می تواند سرنوشت ساز باشد چرا که ائتلاف سعودی همواره با استفاده از جنگنده های پیشرفته خود ضمن رصد و شناسایی سکوهای پرتاب موشک یمن، آن ها را مورد هدف قرار می داد و به این علت قدرت دفاعی یمنی بسیار تحت تاثیر قرار گرفته است. رونمایی از سکوهای جدید می تواند تحولی راهبردی در عرصه دفاعی یمن باشد.

علاوه بر این انقلابیون یمنی روز چهارشنبه ۲۷ تیرماه برای نخستین بار با استفاده از پهپاد به آسمان ریاض نفوذ کرده و یکی از شرکت های پالایشگاه نفتی آرامکو را هدف قرارداد. یک منبع در یگان پهپادی ارتش و کمیته های مردمی یمن اعلام کرد، یک پهپاد دور برد از نوع "صماد ۲"، پالایشگاه آرامکو در ریاض پایتخت عربستان را هدف قرار داد. این پهپاد برای انجام این ماموریت ویژه، مسافت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتری را طی کرد. پهپاد صماد ۲- مسافتی در حدود هزار کیلومتر را طی کرد و از صدها رادارها و سیستم های رهگیری هوایی عبور کرد و به ریاض پایتخت عربستان رسید و به یک هدف راهبردی مهم حمله کرد. شرکت آرامکو، شریان اصلی اقتصاد سعودی ها و بزرگترین شرکت جهانی نفتی است. علاوه بر این این عملیات مهم در حالی صورت گرفت که در شرایط فعلی در بندر الحدیده فشار زیادی از سوی نیروهای متجاوز به انقلابیون وارد شده اما با این حال نیروهای ائتلاف سعودی در ۶ محور گرفتار شده اند. در واقع عملیات پهپادی اخیر پاسخ محکمی به تداوم عملیات الحدیده نیز بود. طبق اعلام وزارت دفاع یمن، نخستین پیام عملیات اخیر این است که حالا دیگر هیچ هدفی در هیچ کشوری از کشورهای متجاوز ائتلاف سعودی، دور از دسترس

ارتش و کمیته‌های مردمی یمن نیست. ارتش یمن در طی دو سال گذشته از پهپادهای جدیدی رونمایی کرده که اسامی برخی از آنها «الهدهد»، «الهدهد یک»، «الرقیب»، «قاصف» و «راصد» اعلام شده است.

به دنبال این حمله شبکه تلویزیونی المسیره در خبری فوری اعلام کرد، واحد پهپادی یمن با یک فروند پهپاد از نوع صماد ۳، فرودگاه بین‌المللی ابوظبی را چند بار هدف قرار داد. شبکه المیادین از توقف پروازهای ورودی و خروجی به فرودگاه ابوظبی خبر داده است. شبکه الجزیره نیز اعلام کرد، به رغم این که مسئولان فرودگاه ابوظبی بر سیر طبیعی روند امور در این فرودگاه تاکید می‌کنند؛ اما واقعیت این گونه نیست. سرهنگ «عبدالله حسن الجفری»، ساعتی بعد از حملات پهپادی ارتش یمن به فرودگاه بین‌المللی «ابوظبی» امارات گفت که عملیات پهپادی امروز بعد از حملات موشکی به این فرودگاه، اولین عملیات در نوع خود است.

علاوه بر این دو کشتی جنگی عربستان مورد حمله موشکی انصارالله قرار گرفت. ارتش یمن و نیروهای انصارالله اعلام کردند، ناو "الدمام" را در سواحل غربی یمن هدف قرار گرفت. ناو الدمام از مدرن‌ترین ناوهای فعال در نیروی دریایی عربستان است و به این ترتیب نیروها انصارالله توانسته‌اند یکی از بهترین شناورهای سعودی‌ها را شکار کنند. از سوی دیگر، نیروی دریایی یمن در کمتر از ۲۴ ساعت توانست یک فروند کشتی دیگر ائتلاف سعودی را در سواحل غربی یمن هدف قرار دهد. منبعی در نیروی دریایی یمن با اعلام این خبر گفت که کادر ناوچه عربستان بعد از اصابت «سلاح مناسب» نیروهای یمنی کشته شده است.

۲. حمله انصارالله به آرامکو عربستان و فرودگاه ابوظبی چه پیامدهای سیاسی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت؟

حمله پهپادی انصارالله به آرامکو ضربه‌ای محکم به سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان بود. این طرح که «چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی» نام دارد بر خصوصی‌سازی، کاهش بیشتر یارانه‌ها، فروش بخشی از غول نفتی دولتی «آرامکو» و تشکیل صندوق ذخیره ارزی دو تریلیون دلاری متمرکز خواهد بود. گفته می‌شود، عربستان سعودی بر مبنای این طرح بزرگ‌ترین صندوق ذخیره ارزی جهان را به خود اختصاص خواهد داد و بعد از عرضه اولیه پنج درصد از سهام شرکت ملی نفت آرامکو به عموم، حجم ذخایر این صندوق به ۲ هزار میلیارد دلار (دو تریلیون دلار) خواهد رسید. محمد بن سلمان در آوریل ۲۰۱۶ با ارائه این طرح تاکید کرد تیم اقتصادی‌اش به این نتیجه رسیده، اگر عربستان سیاست‌های اقتصادی خود را تغییر ندهد اوایل سال ۲۰۱۷ با ورشکستگی کامل مواجه می‌شود. در این راستا بن سلمان سعی دارد تا ۵ درصد از سهام شرکت نفتی آرامکو را به بخش خصوصی واگذار کند. این امر در صورتی محقق خواهد شد که امنیت پالایشگاه‌ها تامین باشد. حمله پهپادی اخیر انصارالله تیر خلاصی به امنیت پالایشگاه‌های عربستان بود.

اما عملیات مهم دیگر حمله انصارالله با پهپاد صماد ۳ به فرودگاه ابوظبی است. در شرایط کنونی اقتصاد امارات با چالش‌های زیاد مواجه شده و گزارش‌های زیادی از خروج سرمایه‌گذاران از پایتخت اقتصادی امارات یعنی دبی منتشر شده است. در همین ارتباط خبرگزاری رویترز در گزارشی اعلام کرد، شاخص‌های اقتصادی و مالی نشان می‌دهد که دبی با بحران روز افزون خود در مسیر تبدیل شدن به شهر ارواح قرار دارد. در این گزارش تاکید شده است که دبی دوران دشواری را سپری می‌کند، قیمت املاک مسکونی نسبت به اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی ۱۵ درصد کاهش یافته و این کاهش همچنان ادامه دارد. بازار سهام نیز از آغاز سال جاری میلادی با ثبت بدترین عملکرد در منطقه، ۱۵ درصد کاهش یافته است. روزنامه البناء لبنان نیز در گزارشی اعلام کرد، منابعی در حوزه خلیج فارس اعلام کردند که بحران عربستان با قطر با تحریک اماراتی‌ها آغاز شد، اماراتی‌ها به این دل

بسته بودند که بعد از سیطره بر قطر یا رام کردن آن، در مدیریت پرونده گاز قطر شراکت داشته باشند. این منابع تاکید کردند: «اما به جای اینکه بحران به ورشکستگی قطر منجر شود، نشانه‌های ورشکستگی، امارت دبی را در می‌نوردد و به جای اینکه شکاف در درون حکومت قطر ایجاد شود، این شکاف در بین حکام امارات آغاز شده است؛ به گونه‌ای که موارد شکاف و جدایی از خاندان حاکم در امارت‌های شارجه و فجیره مشاهده می‌شود.»

زاحی خلفان معاون پیشین رئیس پلیس امارات متحده عربی نیز در چند توییت نسبت به بحران اقتصادی در امارت نشین دبی هشدار داد. پیش‌تر یک کارشناس اقتصادی ساکن دبی در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد دبی مانند تکه یخی در صحرا ذوب می‌شود» در پایگاه تحلیلی «مدرن دیپلماسی»، به چالش‌های پیش‌روی اقتصادی این امارت نشین پرداخت و اقتصاد دبی را در حال فروپاشی ارزیابی کرد. در این شرایط این حمله پهلپادی به ابوظبی به معنای تشدید فضای ناامنی و به صورت طبیعی افزایش خروج سرمایه‌گذاران از شهرهای امارات خواهد بود.

۳. اهداف حمله عربستان و امارات به بندر الحديده در یمن چه بوده و چرا ائتلاف سعودی در این نبرد

شکست خورده اند؟

ائتلاف سعودی با تجاوز به یمن در سه سال گذشته باعث نابودی زیرساخت‌های این کشور شده و یمن را در یک محاصره شدید قرار داده است. در شرایط کنونی تنها راه ارتباطی مردم یمن با جهان خارج برای تامین مواد غذایی و دارویی بندر الحديده در غرب یمن است. اما در ۱۵ خرداد ماه ۹۷ این بندر توسط ائتلاف سعودی مورد حمله قرار گرفته و همچنان ادامه دارد. در واقع ائتلاف سعودی به دنبال آن است تا با اشغال این بندر زمینه را برای تسلیم شدن انصارالله فراهم کند.

بندر الحديده که به عروس دریای سرخ معروف است، در ۲۲۶ کیلومتری شهر صنعا پایتخت یمن قرار دارد. این شهر، دومین بندر تجاری بزرگ یمن بعد از بندر عدن است و به دلیل داشتن امکانات صادرات و واردات و نزدیکی به معابر بین‌المللی حمل و نقل کالا از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. بندر الحديده هم اکنون با اشغال بندر عدن توسط ائتلاف عربی به بندر اساسی برای واردات کالا توسط دولت یمن تبدیل شده است، البته اگر ائتلاف عربی اجازه پهلوگیری کشتی‌های تجاری را در این بندر بدهد که این مساله کمتر اتفاق می‌افتد.

بندر الحديده در شرایط کنونی شاهد بزرگترین نبرد در سه سال گذشته در جریان بحران یمن است. چرا که الحديده، اینک، مهم‌ترین بندر برای انصارالله و متحدان شده، زیرا اشغال آن از سوی نیروهای متحد سعودی، می‌تواند فشار برای تسلیم صنعا را دوچندان کند. از همین رو، نیروهای وابسته به سعودی حدود ۲ ماه پس از کشته شدن علی عبدالله صالح، عملیات برای اشغال این بندر را کلید زدند. در این عملیات، نیروهای مزدور سودان، نیروهای مستشاری امارات، نیروهای طارق صالح (تحت حمایت امارات) و جنگنده‌های عربستان، همگی در یک جبهه علیه انصارالله و متحدین حمله کرده‌اند.

براساس برآوردهای سازمان ملل جنگ الحديده منجر به بزرگترین بحران انسانی جهان خواهد شد. به رغم این هشدار، ائتلاف متجاوز عربی هزاران مزدور را با سازوبرگ نظامی تحت عنوان کذایی "مقاومت یمن" روانه الحديده کرده است. این نیروها شامل سه گروه از نیروهای جنوب آموزش دیده توسط امارات، همچنین تعدادی از ساکنان الحديده حامی منصور هادی رئیس‌جمهوری مستعفی یمن و نیز نیروهایی به سرکردگی محمد علی صالح، برادرزاده علی عبدالله صالح هستند. بیش از ۶۰۰ هزار غیرنظامی در شهر تقریباً محاصره شده الحديده و مناطق اطراف هستند و طبق گزارش‌ها ۲۵۰ هزار یمنی در صورت بالا گرفتن آتش جنگ با احتمال خطر مرگ و نیز

بیش از هفت میلیون در شمال یمن با خطر مرگ بر اثر گرسنگی در صورت توقف ارسال کمک های غذایی و دارویی در نتیجه بسته بودن بندر الحدیده روبه رو خواهند شد. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) نیز هشدار داد که این حمله جان ۳۰۰ هزار کودک یمنی را تهدید می کند.

در نبرد الحدیده فرانسه، انگلیس و آمریکا نیز در کنار متجاوزان هستند و اخیرا تصاویر افسران آمریکایی حاضر در اتفاق عملیات الحدیده نیز منتشر شد. اما شکست متجاوزان در این نبرد باعث شد تا فرانسه اعلام کند که از ائتلاف عربی خارج خواهد شد. نتایج سه ماه نبرد در الحدیده نیز به خوبی وضعیت ائتلاف عربی را مشخص خواهد کرد. در جریان درگیری های ۳ ماه گذشته حدود ۳ هزار و ۷۸۵ نفر در نوار ساحلی استان الحدیده به هلاکت رسیده اند. حدود ۶ هزار و ۴۳۵ تن دیگر از نیروهای شورشی در جریان درگیری ها در این محور زخمی شده اند که به بیمارستان های «عدن، المخا و ...» و حتی مراکز درمانی کشورهای هند و مصر انتقال داده شده اند. نیروهای ارتش و رزمندگان انصارالله تاکنون حدود ۳۲۵ خودروی زرهی و مجهز به دوشکا نیروهای شورشی را در نوار ساحلی استان الحدیده منهدم کرده اند.

۴. ارتش سوریه با پیروزی در درعا موفق به شکست تروریست ها در جبهه جنوب شد. این پیروزی چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟

در سال ۲۰۱۱ پروژه غرق کردن سوریه در بحران با هدف نابودی زیرساخت های این کشور و ساقط کردن دولت بشار اسد از استان درعا در جنوب سوریه شروع شد. این بحران به تدریج به سایر مناطق سوریه تسری پیدا کرد و در نهایت تروریست ها با کمک محور غربی - عربی - عبری توانستند بخش زیادی از خاک سوریه را تصرف کنند. اما ارتش سوریه با کمک نیروهای مقاومت به سرعت نیروهای خود را منسجم کرده و عملیات بازپس گیری مناطق اشغال شده را آغاز کرد. با آزادسازی و پاکسازی غوطه شرقی به ویژه شهر دوما از وجود تروریست ها در ۲۵ فروردین و همچنین آزادسازی اردوگاه یرموک و منطقه حجرالاسود در ۳۱ اردیبهشت سال جاری و پیش از آن آزادسازی استان های الرقه و دیر الزور و شرق حلب از دست گروه تروریستی داعش و دیگر گروه های تروریستی، ارتش سوریه به دنبال آن بود تا استان درعا و جنوب این کشور را از لوٹ تروریست ها پاکسازی کند. از بعد استراتژیک استان های درعا و القنیطره در جنوب سوریه اهمیت زیادی دارد؛ نزدیکی به شهر دمشق پایتخت سوریه، هم مرز بودن با کشور اردن و همچنین قرار گرفتن در کنار جولان اشغالی و سرزمین های اشغالی، قسمتی از اهمیت این دو استان جنوبی سوریه می باشد. در شرایط کنونی فرایند شکست تروریست ها به نقطه آغاز بحران یعنی جنوب سوریه رسیده و از ۵ تیرماه عملیات بزرگ جبهه جنوب شروع شد، عملیاتی که موفقیت آن می توانست به معنای پایان بحران سوریه باشد. عملیات جنوب سوریه عملیاتی است که ارتش این کشور علیه تروریست های موسوم به جبهه النصره و افراد مسلح وابسته به این گروه تروریستی در استان درعا، اطراف آن و همچنین حومه سویدا در شمال درعا، آغاز کرده است.

هدف نهایی ارتش سوریه از انجام این عملیات آزادسازی استان درعا به صورت کامل و شهرک به شهرک و روستا به روستا بود؛ تحت کنترل گرفتن مرزهای سوریه و اردن و همچنین بازگشایی «گذرگاه تجاری نصیب» نیز از دیگر اهداف ارتش سوریه در عملیات درعا بوده است. در نهایت روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه در ادامه پیشروی های ارتش و نیروهای مردمی سوریه، شهر مهم و استراتژیک «درعا» مرکز استان درعا به طور کامل آزاد شد. با ورود خودروهای ارتش سوریه به شهر درعا که چند سال تحت کنترل تروریست ها قرار داشت، نیروهای سوری پرچم

کشورشان را بر بالای مسجدی در منطقه «درعا البلده» که اعتراضات مخالفان دولت در سال ۲۰۱۱ از آنجا آغاز شده بود، به اهتزاز درآوردند. تروریست‌های حاضر در مناطق مختلف درعا نیز با تحویل سلاح‌های خود تسلیم ارتش سوریه شدند. عملیات ارتش سوریه علیه گروه‌های تروریستی در جنوب این کشور از ۵ تیرماه از سه محور آغاز شده و طی این مدت، ده‌ها شهرک و روستا پاکسازی شده است. شاید بتوان مهمترین اهمیت درعا را به قدرت نمادین آن مرتبط دانست. تروریست‌ها این شهر را که جرقه اعتراضات در آن زده شد به عنوان مهد انقلاب ادعایی خود می‌دانند و به همین جهت آزادی این شهر می‌تواند توان کادرسازی و همچنین بازسازی روحیه تروریست‌ها را نابود کند. در واقع در درجه اول اهمیت درعا به دلیل همین قدرت نمادین آن است. علاوه بر این راهبردی بودن موقعیت جغرافیایی درعا در طول تاریخ، وجود برخی تاسیسات نظامی سوریه در این منطقه به جهت نزدیکی با سرزمین‌های اشغالی به منظور مقابله احتمالی با تجاوزات آن، وجود یکی از مناطق آزاد اقتصادی در این استان، شهرک صنعتی و هم‌مرز بودن آن با اردن به عنوان دروازه تجارت این کشور با اروپا با بزرگراه ترانزیت مهم متصل به 'حلب' در شمال سوریه به عنوان یکی از منابع درآمد اقتصاد این کشور و اردن موجب شده تا درعا به یکی از مناطق مهم سوریه تبدیل شود. شهر درعا در گذشته مرکز منطقه «حوران» بوده است. این منطقه، جنوب سوریه و شمال اردن را دربرگرفته است.

اما در حال حاضر اهمیت درعا به موجودیت رژیم صهیونیستی و اشغال جولان توسط این رژیم مربوط می‌شود. براساس سناریویی که آمریکا و رژیم اسرائیل تدارک دیده بودند؛ قرار بود که این رژیم درعا را به منطقه اشغالی «حوض الیرموک» ملحق کند و از این طریق، پرونده جولان اشغالی را برای همیشه ببندد. پیشتر سناریوهای آمریکا و اسرائیل برای جدا کردن درعا از سوریه و ایجاد مناطق موسوم به «مناطق انسان‌دوستانه» در آن شکست خورده بود. به همین دلیل بود که شاهد هشدارها و تهدیدهای آمریکا و مزدورانش در خصوص عملیات ارتش سوریه در درعا بودیم. دولت سوریه نیز که از این توطئه‌ها آگاه بود، به صورت فراگیر این عملیات را کلید زد و تسلیم فشارهای آمریکا و همپیمانانش نشد و استان درعا را از اشغال گروه‌های تروریستی خارج کرد.

نکته جالب این است که مردم استان درعا با وجود ۷ سال حضور نیروهای تروریستی در این منطقه در زمان عملیات بزرگ ارتش سوریه به صورت چشمگیری از ارتش استقبال کرده و این مسئله می‌تواند پیامدهای روانی و نرم زیادی در ادامه عملیات داشته باشد. علاوه بر این آزادسازی درعا برای دولت سوریه از نظر سیاسی و راهبردی اهمیت دارد. با آزادی این استان، دایره امنیت دمشق گسترش پیدا کرده است و رژیم صهیونیستی نمی‌تواند به حمایت از تروریست‌ها ادامه دهد. علاوه بر این ارتش سوریه اصرار دارد پایگاه «التنف» را از آمریکایی‌ها پس بگیرد؛ پایگاهی که به مرکز آموزش تروریست‌ها توسط افسران انگلیسی و آمریکایی بدل شده است. بدین ترتیب، آزادسازی درعا به معنای استقرار مجدد ارتش سوریه در جولان و بازگشت وضعیت پیش از سال ۲۰۱۱ است؛ یعنی بازگشت به توافق‌های آتش‌بس با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۴ و درخواست برای بازپس‌گیری جولان اشغالی.

یکی دیگر از دستاوردهای عملیات پیروزی بخش ارتش سوریه در درعا این است که با تسلط ارتش سوریه بر درعا، جاده دمشق - امان نیز باز شده و صادرات سوریه به اردن از سر گرفته خواهد شد. از لحاظ دیگر استان قنیطره در غرب استان درعا واقع شده است؛ یعنی همان جایی که بسیاری از تروریست‌ها در آنجا حضور دارند و ارتفاعات جولان که در اشغال رژیم صهیونیستی قرار دارد، هم در غرب آن واقع شده است. در هر حال، پرچم سوریه در درعا بر بالای مسجدی به اهتزاز درآمد که معارضان می‌گویند اعتراضات خود به دولت را در سال ۲۰۱۱

از آنجا آغاز کرده‌اند و بدین ترتیب آخرین میخ بر تابوت «مهد انقلاب» تروریست‌ها در سوریه کوبیده شده است. شاید بتوان بزرگترین بازنده آزادسازی درعا را رژیم صهیونیستی دانست. در ۷ سال گذشته اسرائیل تلاش زیادی کرده بود تا با منسجم کردن گروه‌های تروریستی در استان‌های جنوبی به نوعی یک حائل میان خود با ارتش سوریه ایجاد کند. اما آزادسازی درعا ضربه بزرگی بر این دیوار پوشالی اسرائیل وارد کرد و اکنون همانند پیش از بحران ۲۰۱۱ ارتش اسرائیل بدون هیچگونه قدرت دفاعی در برابر نیروهای مقاومت است.

۵. نقش عربستان در استراتژی فشار همه جانبه ترامپ علیه ایران چیست؟

عربستان یک ضلع مهم از مثلث ضد ایرانی (عربستان، آمریکا و اسرائیل) به شمار می‌رود. در واقع پس از خروج آمریکا از برجام، استراتژی آمریکا بر مبنای فعالیت این مثلث استوار شده است. در این راستا تحریم نفتی ایران، تلاش برای تقویت گروه‌های مخالف ایران، تشویق مخالفان داخلی به ایجاد ناآرامی و ایجاد شکاف بین مردم و نظام از مهمترین مولفه‌های سیاست جدید آمریکا در مورد ایران است. عربستان در این میان سعی دارد در این راستا و براساس مولفه‌های فوق به ایران فشار وارد کند. در واقع عربستان به دلیل ضعف امنیتی- نظامی توان تجهیز مخالفان ایران از این نظر را نداشته و به نوعی نقش حامی مالی را در این پروژه ایفا می‌کند. اما ترامپ سعی کرده که پتانسیل‌های دیگر عربستان را در استراتژی جدید ضد ایرانی به کار بگیرد.

به دنبال خروج آمریکا از برجام برخی تحریم‌ها علیه ایران اجرایی خواهد شد. تحریم‌های بازگشتی و غیر قانونی آمریکا علیه ایران بعد از دوره ۹۰ روزه در تاریخ ۶ آگوست ۲۰۱۸ (۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۷) و پس از دوره ۱۸۰ روزه در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۸ (۱۳ آبان ماه ۱۳۹۷) قرار است اجرایی شود. در این ارتباط دونالد ترامپ به صراحت اعلام کرده که به دنبال صفر کردن صادرات نفتی ایران است. ایران هم اکنون بیش از ۳.۵ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند و از این رقم روزانه ۲.۵ میلیون بشکه صادر می‌شود. آمریکا گفته است که قصد دارد تا آبان ماه آینده، صادرات نفت ایران را به صفر برساند. اما مشکل اساسی این است که در صورت حذف صادرات نفت ایران باید جایگزین آن نیز مشخص شود. چرا که با توجه به وابستگی آمریکا به نفت (آمریکا روزانه ۷ میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه نفت وارد می‌کند) در صورت افزایش قیمت نفت این کشور بسیار متضرر خواهد شد.

به همین جهت ترامپ به دنبال آن است تا عربستان را در تحریم نفتی ایران وارد کند. ترامپ در توییتی در این باره نوشت: با ملک سلمان پادشاه عربستان سعودی صحبت کردم و برای او شرح دادم در تولید نفت ایران و نزولاً بحران و نابسامانی وجود دارد و در صورت امکان عربستان با افزایش تولید ۲ میلیون بشکه‌ای آن را جبران کند. قیمت هم خیلی بالاست... او پذیرفت. " چند روز پس از این توییت کاخ سفید اعلام کرد، در صورتی که شرایط ایجاب کند عربستان تولید نفت خود را برای محدود کردن افزایش قیمت، یک میلیون بشکه بالاتر خواهد برد. در واقع عربستان سعی دارد با افزایش تولید نفت، جای نفت صادراتی ایران را پر کند و مانع از ایجاد اختلال در بازار نفت یا افزایش قیمت آن شود. رئیس شرکت نفت سعودی (آرامکو) قبل از این گفته بود که این کشور ۲ میلیون بشکه ظرفیت اضافه بر تولید نفت دارد. با این حال، به عقیده تحلیلگران بین‌المللی، عربستان با وجود آنکه بزرگترین تولیدکننده نفت اوپک به شمار می‌رود، تنها می‌تواند تولید نفت خود را به میزان یک میلیون بشکه در روز افزایش دهد که البته همین میزان افزایش نیز برای این کشور دشوار خواهد بود.

علاوه بر این در سال‌های اخیر فعالیت‌های گروهک منافقین پس از خارج شدن از لیست گروه‌های تروریستی آمریکا بسیار تشدید شده است. نکته بارز سیاست‌های جدید منافقین تلاش برای جلب حمایت آشکار کشورهای عربی است. عربستان در این راستا برای نخستین بار در سال ۲۰۱۶ به صورت علنی از این گروهک

حمایت کرد. شاهزاده ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان اطلاعات سعودی به عنوان یکی از اعضای نشست منافقین در سال ۲۰۱۶ به تمجید از سران سرسپرده گروهک منافقین، مسعود و مریم رجوی، پرداخت و در بخشی از سخنان خود گفت: «من هم سقوط این رژیم را می‌خواهم.» با وجودی که حضور علنی ترکی الفیصل در همایش سالانه این گروهک، اقدامی جدید بود، ولی حمایت عربستان از این گروهک شاید از سال‌های دهه ۸۰ ادامه داشته است، به ویژه تلاش ریاض برای خروج نام مجاهدین خلق از لیست گروه‌های تروریستی اروپا و آمریکا در سال‌های اخیر در کارنامه پشتیبانی ریاض از تروریسم درج است.

علاوه بر این براساس افشاگری یک منبع عرب، گروهک منافقین ماهانه ۸۲ میلیون دلار از دولت سعودی کمک مالی دریافت می‌کند. حتی سال گذشته نیز برخی منابع در شبکه‌های اجتماعی از دیدار سرکرده گروهک منافقین با ولیعهد عربستان سعودی و سفیر رژیم صهیونیستی در پاریس خبر دادند. در مجموع اظهارات اخیر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی مبنی بر کشاندن جنگ به داخل ایران و سخن گفتن انور عشقی، مشاور پیشین شاه عربستان از تجزیه ایران، به منزله تحولی بنیادین در سیاست اعمالی رژیم سعودی در قبال ایران قلمداد می‌گردد. بر این اساس، سعودی‌ها حمایت‌های گسترده مالی، امنیتی و دیپلماتیک از منافقین به عمل آورده‌اند.

۶. علت ناآرامی‌های اخیر در جنوب عراق چه بوده و چه کشورهایی پشت پرده این حوادث هستند؟

در تیرماه ۹۷ اعتراضاتی در جنوب عراق برگزار شد. تظاهراتی که برای بهبود خدمت رسانی عمومی، مبارزه با فساد، رفع بیکاری و پاسخگویی به مطالبات ملی آغاز شده است. این تظاهرات‌ها ابتدا در بصره آغاز شدند و سپس دامنه آنها به مناطق دیگری همچون بغداد و دیگر شهرهای عراق سرایت کرد؛ تظاهرات‌هایی که البته ماهیت مسالمت آمیز خود را حفظ کردند. علت اصلی اعتراضات مردم نیز به قطع مکرر آب و برق، عدم اشتغال زایی، افزایش بی رویه قیمت‌های کالاهای اساسی و همچنین عدم ارائه خدمات مناسب از سوی دولت، باز می‌گردد. البته نیروهای امنیتی موفق شدند با تأمین امنیت تظاهرات و تجمعات مسالمت آمیز، از تبدیل شدن آنها به هرج و مرج و ناآرامی جلوگیری کنند. مقامات مختلف عراقی تاکنون واکنش‌های متعددی به تظاهرات‌های مردم از خود نشان داده‌اند. اکثر آنها ضمن اعلام حمایت از مطالبات مشروع و به حق مردم خود بر لزوم مسالمت آمیز بودن تظاهرات‌های اعتراض آمیز تأکید کرده‌اند. در همین راستا، شیخ «اکرم الکعبی» دبیرکل جنبش «نجباء» ضمن مشروع توصیف کردن مطالبات مردم بر لزوم رسیدگی به این مطالبات تأکید کرده است. ائتلاف «الفتح» به ریاست هادی العامری نیز با اعلام همبستگی با مردم و مطالبات مشروع آنها بر لزوم حل و فصل نهایی معضلات معترضان تأکید کرده است. این درحالی است که نخست وزیر عراق نیز به منظور تأمین مطالبات معترضان فرمان ۷ ماده‌ای صادر کرده است. العبادی در این فرمان هفت ماده‌ای تدابیری را برای حل مشکلات شهرهای جنوبی و فروکش کردن نارضایتی‌ها اتخاذ کرد. این فرمان شامل اختصاص ۳.۵ تریلیون دینار برای تامین آب شرب از طریق تصفیه و شیرین سازی، رفع مشکلات شبکه برق و تامین خدمات بهداشتی و درمانی و چند تصمیم دیگر در خصوص خدمات عمومی است.

در اینکه مردم عراق با مشکلات، معضلات و چالش‌هایی نظیر قطع مکرر آب و برق، ظهور و بروز فساد اداری و مالی و همچنین نقصان در ارائه خدمات عمومی و ... مواجه هستند، شکی نیست و دولت‌هایی نیز که پس از سرنگونی رژیم صدام معدوم در سال ۲۰۰۳ روی کار آمدند می‌بایست حسب مسئولیت‌هایی که داشته و دارند پاسخگوی این شرایط باشند. با این حال، آنچه که نباید از آن غافل شد، نفوذ بقایای رژیم بعث در برخی دستگاه

ها و نهادهای دولتی و غیردولتی است. بدین ترتیب، کسانی که دیروز به عنوان مزدوران صدام معدوم و امروز به عنوان مزدوران سعودی - آمریکایی در این دستگاه ها به فعالیت خود ادامه می دهند و بخش عمده‌ای از مشکلات و معضلات کنونی در عراق نیز به همین نفوذ باز می گردد. این واقعیت را نباید فراموش کرد که نفوذ همین بقایای رژیم بعث در برخی دستگاه های نظامی - اطلاعاتی عراق بود که موجب شد موصل به یکباره به اشغال تروریست های داعش درآمده و زمینه برای پیشروی اعضای این گروه تروریستی به دیگر نقاط فراهم گردد. اما باز هم رد پای سعودی ها در تحریک معترضان عراقی دیده می شود. در همین راستا «جاسم محمد جعفر» نماینده سابق پارلمان عراق، اعتراضات استان های جنوبی عراق را که به خشونت کشیده شد، حاصل تلاش سرویس اطلاعاتی سعودی و رهبران حزب منحل بعث برای سیاسی کردن آن دانست. وی با تایید اینکه تظاهرات های بصره، ذی قار، کربلا، دیوانیه و نجف اشرف به صورت خودجوش آغاز شده بود گفت که اما این تظاهرات ها به سرعت سیاسی شد و به آتش زدن دفاتر احزاب سیاسی و اموال عمومی و تعطیلی روند اقتصادی در استان ها جنوبی منجر شد. این نماینده سابق پارلمان عراق تاکید کرد: آنچه در حال وقوع است، با برنامه سعودی و اقدامات بعثی و استقبال آمریکایی رخ می دهد و تمامی رهبران بعث از طریق شبکه های اجتماعی خشونت های اخیر عراق را جشن گرفتند. وی از دولت عراق خواست تا هر چه سریع تر اقدام به تحقیقات و ارزیابی وزرای کند که در ارائه خدمات به مردم کوتاهی کرده اند و همچنین مسئولانی که مستقیماً در ایجاد وضعیت اخیر نقش داشته اند را برکنار کند.

۷. طرح ناتوی عربی که اخیراً آمریکا ایده آن را مطرح کرده و اعلام داشته پیمان ناتوی عربی با

حضور کشورهای عربی خلیج فارس تشکیل خواهد شد با چه اهدافی بوده و چه دورنمایی دارد؟

اخیراً مقام های آمریکایی و کشورهای عربی اعلام کردند که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در پی ایجاد ائتلافی امنیتی و سیاسی با کشورهای عربی هم پیمان است تا جلوی نفوذ ایران در منطقه را بگیرد. این کشورها شامل شش کشور عربی خلیج فارس، یعنی عربستان، امارات، قطر، بحرین، عمان، کویت، و همین طور اردن و مصر هستند. هم چنین اعلام شده که قرار است در اوایل پاییز ۹۷ نشست مشترک این کشورها در پایتخت آمریکا برگزار شود. خبرگزاری رویترز از قول چند منبع نوشته است که هدف کاخ سفید از تشکیل چنین ائتلافی، همکاری های عمیق تر بین این کشورها در زمینه دفاع موشکی، آموزش نظامی، مبارزه با تروریسم و دیگر مسائل مانند تقویت روابط اقتصادی و دیپلماتیک این کشورهاست. نام اولیه ای که به این ائتلاف داده شده، مسا، مخفف عبارت "ائتلاف راهبردی خاورمیانه" است. طبق اعلام کاخ سفید، ایده ائتلاف با "شرکای آمریکا در منطقه"، چندین ماه است که در دست بررسی بوده است. سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در این مورد اعلام کرد، "مسا مانند یک خاکریز در مقابل تجاوز، تروریسم و افراط گرایی از طرف ایران خواهد بود و به خاورمیانه ثبات می آورد." یک منبع مطلع به رویترز گفته است که ایجاد سپر دفاع ضد موشکی آمریکا در این منطقه، یکی از اهداف اصلی این ائتلاف خواهد بود. گمانه زنی ها درباره چنین برنامه ای بین آمریکا و متحدان عربی اش در منطقه سال هاست که مطرح بوده است. اما این طرح پیش از این با عنوان ناتوی عربی مطرح بوده و از سوی آمریکا پیگیری شده است.

روزنامه ایندپندنت در مطلبی اعلام کرد که طرح ناتوی عربی را مصر در سال ۲۰۱۵ مطرح کرد، طبق این طرح قرار بود که ۴۰ هزار سرباز از مصر، اردن، عربستان، امارات، مراکش و سودان گردهم آیند اما این طرح به دلیل مشکلات داخلی عقیم ماند. روزنامه وال استریت ژورنال نیز در گزارشی اعلام کرد که هدف ترامپ در خاورمیانه تشکیل یک پیمان سیاسی - نظامی در خاورمیانه است و این پیمان شامل عربستان، امارات، مصر و اردن

خواهد بود. طبق این گزارش، ترامپ این امر را در ۲۱ می ۲۰۱۷ در اجلاس ریاض که رهبران ۴۳ کشور اسلامی در آن شرکت کردند بیان کرد. علاوه بر این کشورها، کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان، مالزی و کشورهای اسلامی آفریقا نیز به این پیمان خواهند پیوست. این به این معنا است که این پیمان ناتوی اسلامی خواهد بود. علاوه بر این در جریان سفر ترامپ به عربستان در خرداد ماه ۹۶ در جریان نشست سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با آمریکا توافقی برای ایجاد مرکز مبارزه با تروریسم و تندروری امضا شد.

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی اعلام کرد، تشکیل ناتوی عربی برای مقابله با ایران شبیه به رژیم صدام در زمان ریگان خواهد بود. بر این اساس، موضوع ثابتی که در طول سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفت «تهدید از سوی ایران» نامیده شده بود. در واقع محور سفر ترامپ به عربستان سعودی معامله ۱۱۰ میلیارد دلار اسلحه با پادشاه عربستان بود که رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا این معامله را کمک به عربستان سعودی در برابر نفوذ و تهدیدات مرتبط با ایران توصیف کرد. طبق گفته واشنگتن پست، ترامپ برنامه‌های جدی تری برای مقابله با تهدید ایران دارد که مقامات کاخ سفید آن را «ناتوی عربی» نامیدند. متحدان این طرح در ابتدا عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و اردن با پشتیبانی آمریکا و تبادل اطلاعات امنیتی با اسرائیل هستند.

اما نکته مهم در مورد طرح آمریکا موسوم به ائتلاف راهبردی خاورمیانه به اعضای آن بر می گردد. طبق اعلام اولیه، ۸ کشور یعنی ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به همراه مصر و اردن عضو این پیمان خواهند بود. اما نکته مهم اختلاف موجود بین این ۸ کشور است که باعث خواهد شد برخی از آن‌ها در پیمان همراهی نکنند. طرح ناتوی عربی یا ائتلاف استراتژیک خاورمیانه به نظر می رسد پیش از تشکیل با شکست مواجه شده است. در این ارتباط پایگاه اینترنتی روزنامه «الشرق» قطر تصمیم آمریکا برای تشکیل پیمانی همچون ناتو با کشورهای عربی را «اقدامی بی نتیجه» دانسته و نوشته «این پیمان مرده متولد شده است.» چرا که تحقق رویای ترامپ با دو مانع روبرو است: نخست اینکه هر کدام از اعضای این ائتلاف برای خود اولویت‌های دارند. امارات و عربستان نباید مشارکتشان در این ائتلاف، محاصره قطر را تحت تاثیر قرار دهد و برعکس برای قطر نیز ممکن نیست در این ائتلاف شرکت کند تا زمانی که چهار کشور عضو ائتلاف مورد نظر به محاصره قطر ادامه دهند. کشورهایی مثل اردن و مصر نیز نمی پذیرند که در قبال ارتباط با این ائتلاف در میان فلسطینی‌ها جایگاه خود را از دست دهند. جنبه دوم گرایشی است که هر روز ریشه دار تر می شود اینکه ترامپ شریک قابل اتکا نیست. ترامپ در نزدیک به دو سال حضورش در کاخ سفید ثابت کرد به متحدان واشنگتن بیش از دشمنانشان سخت می گیرد. وی از اتحادیه اروپا انتقاد می کند، نشست سران ناتو را برهم می زند، با رهبر کره شمالی ملاقات می کند و ملاقات با پوتین را بر ملاقات با همتایانش در ناتو ترجیح می دهد. جالب این است در شرایطی سخن از ناتو خلیجی به میان می آید که انتقادات ترامپ از پیمان ناتو اصلی ادامه دارد. حتی اگر ترامپ بتواند همه کشورها را جمع و تشکیل ائتلاف را در رسانه‌ها اعلام کند سرنوشت آن مثل سرنوشت ائتلاف ضد تروریسم خواهد شد که از برگزاری نشست‌های صوری و انتشار بیانیه‌های مطبوعاتی فراتر نرفته است.

۸. برگزاری انتخابات سراسری (پارلمانی و ریاست جمهوری) در ترکیه این کشور را وارد دوران جدیدی کرد. انتخاب اردوغان به عنوان رئیس جمهور ترکیه در مرحله جدید سیاسی ترکیه، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

انتخابات زودهنگام پارلمانی و ریاست جمهوری روز یکشنبه سوم تیرماه در ترکیه برگزار شد و اردوغان موفق به کسب ۵۲ درصد آرا شد. این مسئله به معنای آن است که اردوغان تا سال ۲۰۲۳ قدرت را در این کشور در دست خواهد داشت. نکته مهم در این دوره از انتخابات این بود که این انتخابات نخستین دوره پس از تغییر نظام سیاسی ترکیه از پارلمانی به ریاستی بود. به همین دلیل قدرت اردوغان در دوره جدید افزایش زیادی خواهد یافت و همین مسئله حکومت تک نفره‌ای را در ترکیه ایجاد خواهد کرد.

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه فروردین ماه ۹۷ اعلام کرد انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در این کشور در روز ۲۴ ژوئن (۳ تیر) برگزار خواهد شد. اردوغان گفت تصمیم به برگزاری انتخابات آن هم یک سال و نیم زودتر از موعد مقرر "با در نظر گرفتن شرایط خاص منطقه به ویژه جنگ سوریه و تحولات عراق" اتخاذ شده است. این در حالیست که برگزاری زودهنگام این انتخابات پیشتر از سوی مقامات حزب حاکم عدالت و توسعه غیرممکن اعلام شده بود. اردوغان در ماه اکتبر سال ۲۰۱۷ گفته بود که قصد برگزاری انتخابات زودهنگام را ندارد و انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری ترکیه که سال ۲۰۱۹ برگزار می‌شود، برای نیم قرن دیگر سرنوشت این کشور را تغییر خواهد داد. ترکیه در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ همه‌پرسی تغییر قانون اساسی و تغییر نظام از پارلمانی به ریاستی را برگزار کرد که طبق آنچه اعلام شده، ۵۱/۲ درصد رای مثبت و ۴۸/۸ درصد رای منفی داده شد. برگزاری انتخابات سراسری (پارلمانی و ریاست جمهوری) در ترکیه این کشور را وارد دوران جدیدی کرد. چرا که براساس همه‌پرسی سال گذشته نظام سیاسی ترکیه تغییر کرده و از پارلمانی به ریاستی تبدیل خواهد شد. این به معنای تقویت قدرت رئیس جمهور و افزایش اختیارات وی است.

رجب طیب اردوغان بعد از دو دوره که نخست وزیری ترکیه را عهده دار بود در اولین انتخابات ریاست جمهوری کشورش پس از سال ۲۰۱۴ به این سمت انتخاب شد که تصور می‌رفت یک نقش تشریفاتی باشد. اما ۵۱ درصد مردم ترکیه در رفراندوم آوریل سال ۲۰۱۷ اصلاحاتی در قانون اساسی را پذیرفتند که به رئیس جمهور قدرت بیشتری تفویض کرده است از جمله:

- رئیس جمهور قدرت تعیین و عزل مقامات بلندپایه دولت از جمله وزرا و معاون ریاست جمهوری را دارد.

- رئیس جمهور دارای قدرت دخالت در نظام قضایی کشور است.

- رئیس جمهور دارای اختیار برقراری وضعیت فوق العاده در کشور است.

- علاوه بر این اختیارات تازه براساس اصلاح قانون اساسی پست نخست‌وزیری هم حذف شده است.

در واقع اردوغان در دوره جدید ریاست جمهوری خود، حکومت تک نفره‌ای را بیان خواهد گذاشت که در بیشتر حوزه‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی وی بزرگترین مرجع تصمیم‌گیری خواهد بود. سیستم ریاست جمهوری جدید ترکیه، قدرت اجرایی اردوغان را که تحت اعلام وضعیت اضطراری از آن بهره برده است را به صورت سیستماتیک درمی‌آورد. بر مبنای این سیستم تازه، دفتر نخست وزیر که اردوغان از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ آن را در اختیار خود داشت، از بین خواهد رفت و کابینه را افراد منصوب شده از سوی رییس جمهور تشکیل خواهند، نه افرادی که قانونگذاران انتخاب می‌کنند. همچنین قدرت پارلمان در مواردی از جمله نظارت بر بودجه کاهش می‌یابد.

۹. اخیراً مردم غزه در ابتکاری جالب از بادبادک‌های آتش‌زا برای مبارزه با اسرائیل استفاده

می‌کنند. این ابتکار جدید چه دستاوردهایی را به همراه خواهد داشت؟

از روز ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) که به مناسبت روز زمین در فلسطین، فلسطینیان ساکن غزه اعلام کردند هر جمعه در اعتراضات مسالمت آمیز علیه صهیونیست ها در نقطه مرزی نوار غزه با فلسطین اشغالی تجمع خواهند کرد، طی ۳ ماه گذشته این تجمعات ادامه یافته و هر هفته شهدایی را تقدیم فلسطین کرده اند. اما این تجمعات اعتراضی تنها حرکتی نمادین و خروج از خانه نبوده است زیرا علاوه بر ایجاد فضایی مقاومتی در جامعه جهانی و فلسطینی علیه ظلم و ستم های رژیم غاصب صهیونیستی، به مرور ابتکارات و نوآوری هایی را نیز در عرصه مقاومت به ارمغان آورده است. یکی از مهمترین ابتکارات حاصل از این راهپیمایی ها، بادبادک ها و بالون های آتشی است که به عنوان یک راهکار مقاومتی به سلاحی جدید برای عقب راندن صهیونیست ها بدل شده است. هزینه هر بادبادک کاغذی حدود ۲ دلار است که جوانان انقلابی فلسطینی در اردوگاه های خودشان آن را تهیه می کنند اما طبق آمارها، این بادبادک های آتش زا با به آتش کشیدن محصولات کشاورزی در شهرک های صهیونیست نشین مجاور نوار غزه میلیون ها دلار به صهیونیست ها خسارت وارد آورده اند.

روزنامه عبری زبان «معاریو» تنها در یک مورد به نقل از مسئول اطفای حریق در اراضی اشغالی می نویسد، از زمانی که تظاهرکنندگان فلسطینی از حدود سه هفته قبل شروع به استفاده از بادبادک های آتش زا کرده اند، یگان های اطفای حریق بیش از ۴۰۰ مورد آتش سوزی را که موجب سوختن ۹۰۰۰ هزار دونم (هر دونم ۱۰۰۰ متر مربع) شده، مهار و خاموش کرده اند. با وجود آنکه مقامات رژیم اشغالگر صهیونیستی تصمیم به تعقیب سازندگان این بادبادک ها گرفته اند، اما جوانان فلسطینی همچنان به ارسال این بادبادک ها ادامه می دهند و به تهدیدات صهیونیست ها اهمیتی نمی دهند و تلاش می کنند با ارتقای این بادبادک ها کاری کنند که مسافت بیشتری در عمق خاک فلسطین اشغالی به پرواز در آیند. مقامات صهیونیست بارها برای مقابله با این بادبادک ها تشکیل جلسه داده و از کارشناسان نظامی دعوت کرده اند تا راهی برای از بین بردن این بادبادک ها پیدا کنند. برخی از کارشناسان پاسخ موشکی را پیشنهاد کرده اند، برخی دیگر حمله هوایی و توپخانه ای و حمله با پهپاد به اردوگاه ها و مقر جوانان فلسطینی را پیشنهاد کرده اند و عده ای دیگر مسئله ترور جوانان فلسطینی سازنده این بادبادک ها را عنوان کرده اند، استفاده از تک تیراندازان اسرائیلی برای هدف قرار دادن کسانی که به پرتاب کردن این بادبادک ها اقدام می کنند طرحی دیگر برای مقابله با این تهدید است. اما هیچکدام از این طرح ها، موفقیتی نداشته و به رغم بمباران هوایی و توپخانه ای بخش هایی از غزه و استفاده از سامانه گنبد آهنین، هیچکدام از بادبادک ها هدف قرار داده نشدند و به غیر از دو جوان فلسطینی به کسی آسیبی وارد نشده است. ارتش اسرائیل در همین رابطه اقدام به استقرار ۲۰۰ تک تیرانداز در طول نوار مرزی غزه نیز نموده و آنها را به تجهیزات لازم برای از بین بردن این بادبادک ها مجهز کرده است اما جوانان غیور و باهوش فلسطینی از مکانی این بادبادک ها را به هوا پرتاب می کنند که قابل شناسایی نیست.

ارتش رژیم صهیونیستی استفاده واکنش های سخت تری را مانند حمله به داخل غزه و هدف قرار دادن مسئولان و طراحان پرتاب این بادبادک ها در دستور کار قرار داده است، ولی به کارگیری همه این راهکارها هیچ کمکی نکرده است. ترس و نگرانی اسرائیلی ها موجب شده که شماری از سران حزبی رژیم صهیونیستی، با حضور در شهرک های صهیونیست پذیر اطراف غزه، به شدت از سیاست های دولت «بنیامین نتانیاو» در مقابله با پدیده بادبادک های آتش زا انتقاد کنند. شهرک نشین های صهیونیست از بیم ورود بادبادک های آتش زا به مناطق مسکونی آرامش و قرار ندارند و نگرانند که در صورت وقوع آتش سوزی در مناطق مسکونی، فاجعه ای بزرگ به وجود آید. آمارهای رسمی صهیونیست ها حاکی از آن است که دست کم ۴۰۰ نقطه در منطقه موسوم به غلاف

غزه از آغاز تظاهرات بازگشت ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) در آتش سوخته است. بر اساس این آمار، آتش سوزی در «کیسوفیم»، «عین هشلوشا»، «اشکول»، «معفس»، «نیر شاعر» و «شاعر هانیگف» زمین‌ها و باغ‌های تحت کنترل صهیونیست‌ها را تخریب کرده است. موشه کهلون وزیر دارایی رژیم صهیونیستی در این باره گفته که بابدادک‌های آتش‌زا تا کنون پنج میلیون شیکل (هر شیکل معادل سه دلار و ۵۶ سنت) خسارت برجا گذاشته است.

۱۰. دونالد ترامپ در مرداد ماه چندین بار خواستار مذاکره با ایران شده است. اهداف ترامپ از تقاضای مذاکره با ایران چیست؟

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً در کنفرانس خبری مشترک با نخست‌وزیر ایتالیا اعلام کرد حاضر است بدون هیچ پیش‌شرطی با رئیس‌جمهور روحانی ملاقات کند. ترامپ با انداختن توپ در زمین ایران افزود: اگر آنها حاضر باشند بنده بی‌تردید با مقامات ایران دیدار خواهم کرد. نمی‌دانم آیا آنها هنوز آماده هستند.

یکی از اهداف مهم ترامپ در اتخاذ چنین رویکردی را می‌توان در تلاش برای دوقطبی سازی فضای سیاسی کشور پس از یکدستی قوای سه‌گانه و ملت و نهادهای نظامی و انقلابی در برابر نقض برجام و عهدشکنی آمریکا در خارج شدن از برجام تحلیل کرد. این یکدستی مواضع در موضع‌گیری اخیر آقای روحانی رئیس‌جمهور در مورد بستن تنگه هرمز در صورت صادر نشدن نفت ایران و استقبال فرماندهان سپاه قدس و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آن به خوبی بیانگر این نکته بود که همانگونه که ترامپ با عهدشکنی و خروج از برجام، در جامعه بین‌المللی با انزوا روبرو شده است در داخل کشور نیز مردم و مسوولان کشور اعم از دولتی و نهادهای انقلابی و نظامی موضع واحدی دارند که طرح‌های آمریکا برای عقب‌نشینی تهران را با شکست روبرو خواهد کرد. از این رو به نظر می‌رسد طرح موضوع مذاکره با ایران ترفندی از سوی ترامپ بوده تا این موضع‌گیری یکدست را در سطوح دولت و نهادهای انقلابی و نظامی و حاکمیتی و هم در سطح آحاد جامعه به فضای دو قطبی تبدیل نماید. بی‌تردید ترامپ متوجه این نکته است که در چنین فضای دوقطبی اصل موضوع یعنی عهد شکنی او مورد غفلت واقع خواهد شد و با وارونه‌سازی فرصتی فراهم خواهد شد که مخالفان مذاکره با آمریکا به عنوان مقصر اوضاع اقتصادی کشور معرفی شوند. این هدف جدای از اهداف چند وجهی دیگری از جمله همسوسازی اروپا با تحریم‌های ثانویه علیه ایران و انداختن توپ در زمین تهران است. اندیشکده صهیونیستی «بگین-سادات» نیز در تحلیلی پیرامون پیشنهاد رئیس‌جمهور آمریکا برای مذاکره با ایران گزارش داد که این پیشنهاد با هدف اختلاف افکنی در داخل ایران ارائه شده و بخشی از برنامه بولتون قبل از ورود به کاخ سفید بود. از سوی دیگر ترامپ می‌خواهد به اروپایی‌ها بگوید که ترجیح ایران سازش با ترامپ است نه اروپا و این استراتژی نیز از سوی دونالد ترامپ با هدف معلق‌سازی گفت‌وگوهای ایران با اروپا مطرح می‌شود. ترامپ به عبارتی می‌خواهد به اروپایی‌ها اعلام کند ایران در پی گفت‌وگو با ما است و نه با شما و آنها را از گفت‌وگو عملاً خارج کند.